

اطلام نبوت و جنبش فکری

قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

الم کتاب انزلنا الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور

آیه ۱ سوره ابراهیم

باذن ربهم الی صراط العزیز الحمید

در سال چهارم عام الفل بوده که فرشته مقرب خدای تعالی در کوه حرا انجا که ۱۵ سال معبد محمد بن عبدالله (ص) بوده، انجا که مکتب ربوبی و دارالتربیه الهی بوده بر بهترین خلق خدا نازل شد و او را بمنصب نبوت مفتخر گردانید و نماز را بدو آموخت و آیات قرآن را بر قلب پاک او فرود آورد و با این آیات حضرت محمد (ص) بنام پیغمبر خاتم (ص) از کوه فرود آمد و اول برای زنش خدیجه گفت و پس از آن علی که شاگرد مکتب او بود اسلام آورد و از این تاریخ تا ۲۳ سال قرآن بدین صورت که هست نازل شد و جنبش فکری و دینی و علمی بوجود آورده است.

هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب و اخر متشابهاً

فاما الذین فی قلوبهم زینغ فیتبعون ماتشابه منه ابتغاء الفتنه و ابتغاء

تاویله و ما یعلم تاویله الا الله و الراسخون فی العلم بقولون

امنا به کل من عند ربنا و ما یذکر الا اولوا الالباب

آیه ۶ سوره آل عمران

قرآن بزرگترین مبلغ تاریخی و استوارترین قوانین آسمانی و محکمترین احکام

شریعتی و اجتماعی و نیرومندترین اعجاز پیغمبر اسلام ارواحنا فداء می باشد.

این کتاب منحصر بتعالیم و دستورات مذهبی یا داستان‌ها و قصص گذشته یا احکام دینی و تبلیغی نیست بلکه کتابی است جامع مفیدترین احکام اجتماعی و دستورات سیاسی و قوانین اقتصادی و امور اداری و انتظامی و کلیه شئون زندگی مادی و معنوی بشری است که بوسیله پیغمبر اسلام بمسلمین تعلیم داده شد تا آنها در دنیای بشریت تعلیم دهند.

این کتاب آسمانی دارای انواع معجزات و خرز عادات است که در کتاب پیشوای اسلام نکاشته‌ام عباراتی حیرت انگیز دارد، دلایلی محکم و منطقی - فصاحت و بلاغت آن فصحا و بلغا را مبهوت ساخته نکات نغز و دلکش آن مورد احتیاج بزرگترین ملل راقی و موجب رشد عقلی آخرین مردم متمدن جهان است.

قرآن مشتمل بر ۱۱۴ سوره و هر سوره مشتمل بر آیاتی است.

برخی بصورت اخطار و اعلام، بعضی بمشابه خطاب و حماسه، مقداری بنام قصص و تاریخ گذشتگان، رشته مفصلی در توحید و خدا پرستی و مبداء و معاد و حشر و نشر و قیامت و علل آفرینش عالم و آدم و هدف اصلی آن روش تعلیم و تربیت مذهب و راه و رسم رستگاری و فوز و فلاح است.

قرآن در عالم برنامه کتابی بی نظیری است که در طول ۱۳ سال بزرگوار گرامی نازل شد و بیشتر از هر چیز بشر را بعالم کائنات و نظر در عوالم کون و موجودات عالم از عناصر و موالید و جمادات و نباتات و حیوانات و افلاک متوجه ساخته تا عظمت آفرینش را دریابد و این روش در کتب سابق آسمانی بوده ولی جامعیت نداشت و در قرآن جمع بین دین و دنیا کرده و چون کمال مطلوب آفرینش از راه ماده و دنیا باید حاصل شود در این راه مهمترین نکات اجتماعی را متذکر گشته و تصورات ممکنه ملل راقیه و منحطه و تحولات روحی و معنوی افراد و اجتماع را با علل قطعی بیان فرموده است تا از آنها درس عبرت گرفته شود و راه و رسم سعادت بدست آید.

قرآن نیروی مهم تمام اختراعات ممکنه را در بشر آماده ساخته و کلید فهم آن را بنیروی عقل و خرد آدمی سیرده تا اندیشه کند و تعقل نماید و بر نیروی غیر مرمی موجودات دست یابد.

قرآن قبل از همه چیز برای تصفیه دل دستور داده و کلمه لا اله الا الله محمد رسول الله را مفتاح این سعادت دانسته که اول خدا را بشناسند و محمد را پیغمبر او دانند و آموزش و پرورش او را از جان و دل استقبال کنند تا سعادت مند شوند و نور علم و دانش در قلوب آنان تجلی نماید و با آخرین درجه رشد عقلی برسد قرآن خود این رشته را تصریحاً و تاویحاً بطور ابلاغ و خطا به و نقل دوستان و مثل بیان فرموده که محتاج بیک کتاب جداگانه است.

قرآن آنچه را که از جریان تاریخ گذشته بر بشر مکتوم بوده بطریق مثال در تحولات اجتماعی و رشد ملی یا انحطاط اخلاقی و اختلال کشوری همه را بیان کرده و ائمه اطهار علیهم صلوات الله اجمعین مفسر و مبین قرآن بوده اند این مطالب تاریخی کلی را مانند احکام و قوانین شریعتی که بطور کلی ابلاغ شده تشریح و تصریح و تحلیل کرده و مشکلی برای کسی باقی نگذاشته اند و قرآن خود میگوید گمراهی در آن برای خواننده و شنونده و استفاده کننده نیست بلکه مطالب قرآن همان گشوده مردم است که در جستجوی آن هستند و هیچ تر و خشکی نیست که در آن باجمال و در اخبار آل محمد ذکر نشده باشد و باید از اهل بیت عترت دانایان قرآن هستند اسرار و احکام آنرا فرا گرفت تا حقیقت مکتوف گردد.

انتشار قرآن در عالم از نظر اصول عقاید اسلامی بدقت مورد توجه قرار گرفته و علمای جهان و خردمندان کبیتی و فلاسفه عالم بشریت همه آن را از جان و دل قبول کرده و اعتراف اعجاز آن را کرده اند - تمام علمای واقعی یهود و نصاری و سایر ملل جهان در پیشگاه قرآن خضوع و خشوع کرده و اصول عقاید آن را فرا گرفته و این تاج افتخار را از دست مسلمین قبول و بر سر نهاده اند.

قرآن تمدنی برای جهان بشری آورد که هیچکس نمیتواند آنرا انکار کند و مبنای مدنیت حقیقی دنیا بر اساس آن گذاشته شده و دانشگاههای جهان مرهون و مندوبون تعلیمات قرآن است - قرآن بسیاری از علوم که امروز بشر در دست دارد برایگان بخشیده است و در خلال همه این علوم و فنون نفوس آدمیان را تزکیه و تصفیه کرده است.

اسلام بنیروی این اعجاز توانست سلطه بردل مردم جهان پیدا کند و نفوذ معنوی خود را حفظ کرده و بدون جنگ و جهاد با آموزش و پرورش اخلاقی کیتی جلی خود را باز کند که امروز بیش از ۵۵۰ میلیون پیرو و مطیع داشته باشد و چون در باره جریان تاریخی کتابی جداگانه مستقل نوشته ایم این جا از بسط کلام خود داری کرده و بآنجا محول میکنم و همینقدر عرض میکنم که تنها قرآن بود که يك جنبش علمی بوجود آورد و دین و فضیلت اخلاقی را در زیر پرچم این معجزه بزرگ آموخته است .

و از قرن اول هجری تاکنون در هر قرن از ۳۰۰ میلیون بشر تا ۸۰۰ میلیون بشر در این جنبش علمی و دینی شرکت داشته و ملیونها کتاب بزبانهای مختلف در باره قرآن نوشته شده است . شرح ذکر « قرآن » در باره قرآن در ۷ فصل وارد شد .

فصل اول - در حقیقت قرآن و اینکه کتاب آسمانی است ۳۵۸ آیه

• دوم - در ذکر ناسخ و منسوخ قرآن ۲

• سوم - در نهی تعبیر احکام اله ۱

• چهارم - در نهی تفسیر برای ۳

• پنجم - در اینکه امثله قرآن برای تنبه است ۴

• ششم - در قصص انبیاء گذشته مطالعات فریبگی ۱۷

• هفتم - در نزول قرآن علوم انسانی ۵

و اول کسی که در علوم کتاب نوشت امیر المؤمنین علی (ع) بوده که این ندیم در فهرست و سید حسن صدر در فصل ۱۲ در علوم القرآن صفحه ۳۳۴ و ۳۱۶ نگاشته اند .

و عنده مفتاح الغیب لا یعلمها الا هو و یعلم ما فی البر و البحر و ما تسقط من

ورقة الا یعلمها ولا حبة فی ظلمات الارض و لارطب و لایابس

سوره الفام ششم آیه ۶۰

فی کتاب مبین

روح اسلام از نظر قرآن

روح اسلام آن غریزه درونی است که بصورت جاذبه تقویت شده تا با نهضت اجتماعی و رشد عقلی بطرف کمال مطلوب بشتابد. این حقیقت در برخی از ملل بکلمه تمدن تعبیر شده ولی از این کلمه معنایی دیگر استفاده کرده اند و آن بالا رفتن سطح زندگی بوده که معتقد شدند تمدن فنون بتحمل در لباس و اناث البیت و تظاهر بفرافرفتن زبانهای خارجی و تقلید از ملل دیگر در عادات و رسوم است. و بعضی این حقیقت را بمعنی آزادی بیان کرده و قصد آن اعمال مطلق شهوات در تمام شئون زندگی است.

تمدن اسلام و رای این تصوراتست بلکه يك روح ایمان و عقیده بمبداء و معاد و نهضت برای رشد عقلی و رقاء ملی است که انسان را بزودی بتمام احتیاجات خود میرساند و از آن سرحد گذرانده معانی رقیقه فضیلت را در نهاد او تقویت نماید تا بکمال مطلوب برسد. اینجا باید تکرار کرد که در تمدن اسلام تمام علوم و فنون نهفته و تعلیم شده و علم از دین جدا نیست و در نهاد آدمی میل و محبت ترقی و تکامل نهفته است آنهاکه در پستی بسر میبرند نفهمیده و نخواسته اند برقاء و برتبه خود برسند نه آنست که پستی انحطاط را دوست داشته باشند. آنها آرزوی سعادت و کمال را دارند ولی در پیدا کردن راه بکمال نادان و غافل هستند و گرنه فطرت بر تکامل و سیر کمالی است.

بشر در دوران فطرت و جهالت خواهان تکامل بوده اما منجی و رهبر مقتدر ودانائی نداشت تا او را به هدف مقصود ایصال الی المطلوب نماید ولی چون آفتاب اسلام طلوع کرد و پیشوائی دانا و توانا در نهایت قدرت و کمال قیام کرد و نهضتی برای بشر بوجود آورد که در تمام دوران زندگی بشر نظیر نداشت و ۱۳ قرن هم گذشته هنوز شبیه و مانندی پیدا نکرده است چنان غرائز مکنونه بشر را تکان داده و بحرکت اینداخت که هنوز در حرکت قسری آن میچرخند. چنان حرکت فکری بوجود آورد که هم اکنون توجه جهانیان در استخراج مواد و عناصر و اختراعات دنباله حرکت فکری اسلام است و میراثی است که از اسلام برای بشر باقی مانده است.

این روح اسلام بود که بجامعه بشر دمیده شد تا در نگهداری آن بکوشند و حقیقت فطرت را بفهمند و در میدان مبارزه زندگی مقاومت کنند. اسلام روحی بجامعه دمید که در مقابل

آنها بزرگترین دول مقتدر روم و ایران نتوانستند مقاومت کنند - اسلام روحی در بشر بوجود آورد که سیاست دنیا را در سیادت و سیاست خودمستملک گردانید و برای خدمت بعالم علم و دانش و انسانیت و جلب افکار خردمندان بهحقیق و نوامیس جهان عملا تعلیماتی داده و آنها را بهجهانگیری و تعلیم و تربیت سوق داده چهار صد سال مسلمین دنیا را بدین ترتیب اداره کردند و در تمام آبهای جهان پهناور گیتی حکومت میکردند .

روح اسلام ایمان و عقیده و عمل بحق و حقیقت بود - روح اسلام درك ولایت بوده که بشر بفهمد غیر از امور قابل اشاره حسیه این جهان پهناور دیگری هست که با نفس مهذب و ایده بی آرایش بدان میتواند نگریست و تا ازراه مقام ولایت با شرایط ایمان وارد آن جهان نشوی چیزی درك نخواهی کرد - روح اسلام ایجاد عقیده و تقویت آن مقام بود اسلام بتجرد نفس و خلود و بقاء روح پس از مرگ و بعث و حشر و ثواب و عقاب و نیکی در این جهان و احتراز از بدی و حفظ بهداشت و امر بمعروف و نهی از منکر که مجموع این احکام تعبیر بدین شده است تعلیم داد تا بشر از راه حس مشهود و خواص ظاهری و باطنی در مراتب کمال خود و دیگران بکوشد و جامعه سعادت و سلامت و سیاست و سیادت بکوشد .

در مقابل روح قوی و نیروی مبادی ایمان اسلام هیچ نیروی از مادیین و مبلغین از مشرکین و منافقین قدرت مقاومت نداشت و تمام علوم و دانش ملل راقیه گذشته را در دریای علم و دانش انا مدینه العلم و علی بابها تحلیل برد و بیک تربیت مهذب و علم و دانش ممتازی بوجود آورد و روح دیانت و اسلام را با عمل باحکام و توجه بآیات قرآن تقویت نمود .